بررسی برگزیت از تمام زوایا در گفتگوی تحلیلی ـ تفصیلی آفتاب یزد با سیدوحید کریمی، کارشناس مسائل بین‌المللی:

ساختار سیاسی و بروکراسی اتحادیه اروپا فاسد است

اتحادیه دست و پای انگلستان را بسته بود

آفتاب یزد ـ رضا بردستانی: برخی می‌نویسند«برگزیت» و بعضی«برکسیت» در لفظ متفاوت اما در معنا یکسان؛ خروج بریتانیا از اتحادیه ی اروپایی British and exit> Brexit در همه‌پرسی‌ای که در ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶ در بریتانیا انجام شد بیش از ۱۷میلیون نفر به عدم حضور آن کشور در اتحادیه اروپا رأی دادند (در مقابل بیش از ۱۶ میلیون نفری که رأی به ماندن در اتحادیه اروپا دادند) و جنبش برگزیت به موفقیت رسید، برخی صاحب‌نظران رخدادهایی نظیر خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا را ناشی از فراگیر شدن نئوناسیونالیسم در آن کشور می‌دانند. در پی این نتیجه، دیوید کامرون از نخست‌وزیری کنار رفت و ترزا می جای او را گرفت.

آمارهایی که در پی این «همه پرسی» منتشر شد خود گویای بسیاری از واقعیت‌ها است؛ شمارش آرای این همه‌پرسی نشان داد: مردم اسکاتلند و ایرلند شمالی به باقی‌ماندن در اتحادیه اروپا رأی داده ولی انگلیسی‌ها و ولزی‌ها به خروج از اتحادیه اروپا رأی داده‌اند. شمارش آرا در اسکاتلند نشان داد که ۶۲درصد اسکاتلندی‌ها خواهان باقی‌ماندن در اتحادیه اروپا بوده‌اند و ۳۸درصد خواهان جدایی. در ولز ۴۸٫۳درصد خواهان باقی‌ماندن در اتحادیه اروپا بوده‌اند و ۵۱٫۷ درصد خواهان جدایی هستند. در ایرلند شمالی ۵۵٫۷ درصد رأی به باقی‌ماندن داده بودند و ۴۴٫۳درصد رأی به جدایی دادند. لندن پایتخت بریتانیا بیشترین رأی را به ماندن در اتحادیه اروپا داد. ۷۵ درصد جوانان ۱۸ تا ۲۴سال بریتانیایی رای به باقی‌ماندن در اتحادیه اروپا دادند ولی ۶۱ درصد افراد بالای ۶۵ سال رأی به خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا دادند.۹۵٫۹ درصد جمعیت منطقه جبل‌الطارق به ماندن بریتانیا در اتحادیه اروپا رأی دادند.

■ پیمان لیسبون چیست؟

پیمان لیسبون که از آن به عنوان معاهده اصلاحات نیز یاد می‌شود یک موافقت‌نامه بین‌المللی است که در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۷ (میلادی) امضا شد و توسط آن فعالیت‌های اتحادیه اروپا تغییر خواهد کرد. این پیمان هنوز توسط همه اعضا تصویب نشده‌است، تصویب همه اعضا برای عملی شدن این پیمان مورد نیاز است. این پیمان اصلاحیه‌ای بر قانون اساسی پیشین اروپا است. از جمله قوانین جدید حذف زبان، پول، پرچم و سرود مشترک دانست. همچنین به منظور تقویت روابط و سیاست خارجی اروپا، یک پست نماینده عالی امور خارجه با کارکردهای وزیر خارجه ایجاد خواهد شد.

ترزا می در اکتبر ۲۰۱۶ گفت: تا پایان مارس ۲۰۱۷ میلادی، ماده۵۰ پیمان لیسبون را فعال می‌کند و بریتانیا را تا پایان مارس ۲۰۱۹ از اتحادیه اروپا خارج می‌کند. ماده۵۰ پیمان لیسبون، روند خروج یک کشور از اتحادیه اروپا را مشخص کرده‌است. بر پایه این ماده، دولتی که خواستار خروج از اتحادیه اروپا است پس از فعال‌سازی ماده۵۰ پیمان لیسبون، دو سال فرصت دارد تا چگونگی خروج از اتحادیه اروپا، شیوه بستن قرارداد با دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا و شرایط مربوط از جمله چگونگی دسترسی به بازار مشترک، چگونگی رفت‌وآمد شهروندان کشورها و وضعیت افرادی که در کشورهای دیگر اتحادیه اروپا زندگی یا کار می‌کنند را تدوین کنند. در مدت این دو سال، کشوری که در حال خروج از اتحادیه اروپا است وظیفه دارد تعهداتش را به‌عنوان یکی از اعضای اتحادیه اروپا، اجرا کند. اما در ۲۴ ژانویه ۲۰۱۷ میلادی، دیوان عالی بریتانیا یک رأی جنجالی صادر کرد که به موجب آن، دولت ترزا می برای فعال‌سازی ماده۵۰ پیمان لیسبون، باید رأی موافق مجلس عوام بریتانیا را نیز بدست آورد. به دنبال صدور رأی دیوان عالی بریتانیا دولت ترزا می نیز در روز پنجشنبه ۲۶ ژانویه ۲۰۱۷ میلادی لایحه آغاز فرآیند خروج از اتحادیه اروپا را به مجلس عوام ارائه کرد. نمایندگان مجلس عوام بریتانیا نیز در ۸ فوریه ۲۰۱۷ میلادی با ۴۹۴ رأی موافق در برابر ۱۲۲ رأی مخالف، لایحه فعال‌سازی ماده۵۰ پیمان لیسبون را تصویب کردند. دیوید دیویس، وزیر برگزیت دولت ترزا می، بلافاصله پس از رأی مثبت مجلس عوام، از آن به عنوان یک «رأی تاریخی» یاد کرد. روز یکشنبه ۷ اوت ۲۰۱۷ ساندی تلگراف به نقل از منابع گزارش کرد انگلستان آماده است تا ۴۰ میلیارد یورو (۴۷ میلیارد دلار آمریکا) به عنوان بخشی از معامله برای ترک اتحادیه اروپا بپردازد. اتحادیه اروپا عدد ۶۰ میلیارد یورو را منتشر کرده و خواستار پیشرفت مهمی در حل بدهی‌های انگلستان پیش از آغاز مذاکرات برسر موضوعاتی مانند آینده ترتیبات تجاری شده بود.

برخی واکنش‌ها در زمان تصویب برگزیت:

- ● دونالد ترامپ، کاندیدای جمهوری‌خواه ریاست‌جمهوری آمریکا: این خیلی عالی است که مردم بریتانیا موفق به پس‌گرفتن کشور خود شدند. آمریکایی‌ها هم چنین می‌کنند.
- ● خیرت ویلدرس رهبر حزب راست‌گرای افراطی و ضداسلام حزب برای آزادی هلند: هورای بزرگ برای انگلیسی‌ها! اکنون نوبت ماست و زمان آن رسیده که چنین همه‌پرسی در هلند برگزار شود.
- ● مارین لوپن، رهبر حزب راست‌گرای افراطی جبهه ملی فرانسه: این یک پیروزی برای آزادی است. همان‌طور که سال‌ها تقاضا داشتم اکنون لازم است که همین همه‌پرسی در فرانسه و دیگر کشورهای اتحادیه اروپا برگزار شود.
- ● وزیر اول اسکاتلند، نیکولا استورجن خواستار برگزاری همه‌پرسی جداگانه برای ماندن اسکاتلند در اتحادیه اروپا شد. در همه‌پرسی خروج ۶۲ درصد اسکاتلندی‌ها رای به ماندن دادند.
- ● فرانک والتر اشتاین‌مایر، وزیر امور خارجه آلمان: نتایج همه‌پرسی بریتانیا حقیقتاً هشداردهنده است. این یک روز غمبار برای اروپا و بریتانیا است.
- ● کاخ سفید اعلام کرد: باراک اوباما برای بررسی شرایط خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا با «دیوید کامرون» نخست‌وزیر این کشور دیدار خواهد کرد اوباما پیشتر مردم بریتانیا را به ماندن در اتحادیه اروپا تشویق کرده بود.
- ● مارتین شولتس رئیس پارلمان اتحادیه اروپا گفت: خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا موجب این نخواهد شد که کشورهای دیگر نیز از اتحادیه اروپا خارج شوند.
- ● بیانیه وزارت امور خارجه ایران: ایران به عنوان یک نظام مردم‌سالار به رأی مردم بریتانیا در زمینه خروج از اتحادیه اروپایی احترام گذاشته و آن را در مسیر خواست اکثریت مردم آن کشور در تنظیم روابط خارجی خود قلمداد می‌کند.
- ● تیتر مجله اکونومیست: یک شکاف فجیع
- ● آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان گفت: این تصمیم تاسف‌آور است و افزود: اتحادیه اروپا نباید سریع و ساده نتیجه‌گیری کند.
- ● دولت اسپانیا به دنبال رأی مردم بریتانیا برای خروج از اتحادیه اروپا، خواهان حاکمیت مشترک بر جبل‌الطارق شد.

چهار سال از آن روزگاران گذشته ولی همچنان اخبار برگزیت در گوشه گوشه خبرگزاری‌های معتبر بین‌المللی به چشم می‌خورد، از برخی اختلاف نظرها تا بسیاری از آیند و روندها اما آنچه قطعی است خروج بریتانیا از اتحادیه ی اروپایی است. در یک گفتگوی یک ساعته به بسیاری از ابهامات برگزیت، چرایی و لزوم عدم لزوم اجرایی شدن برگزیت، آینده ی مناسبات سیاسی ـ اجتماعی انگلستان با اروپا و جهان، روسیه و تأثیر برگزیت بر مرزبندی‌های اتحادیه با این کشور، نقش اتحادیه ی اروپایی در تعاملا و مناسبات سیاسی ـ بین‌الملل، اصلی‌ترین دلیل ظهور برگزیت، آینده ی احزاب انگلستان به خصوص حزب کارگر، تأثیر بوریس جانسون در تعاملات سیاسیِ یک دهه ی اخیر بریتانیا، بایدن و برگزیت، ایرلندی بودن بایدن و تقابل‌های احتمالی و بسیاری دیگر از این دست مسائل در این گفتگوی یک ساعته با دکتر سیدوحید کریمی بررسی شد:

■ برگزیت به زمان چرچیل باز می‌گردد و موضوع تازه‌ای نیست

هسته اصلی تفکری که برگزیت را به وجود آورد چه بود؟

برگزیت یعنی خارج شدن از اتحادیه، برگزیت همیشه یک تفکر بوده که از زمان چرچیل بعد از جنگ جهانی دوم شکل می‌گیرد زیرا انگلیس اصلا دوست نداشت در گروه یا ائتلافی باشد چون معتقد بودند در ائتلاف بودن با یک گروه بسیار بزرگ، دست و پای دولت را برای مقررات و قوانینی که به نفع آن کشور یا ملت است را ببندد به عنوان مثال در انگلیس وقتی عضو اتحادیه اروپایی بود برای ماهیگیری یک سری شرط و شروط بود حتی اینکه تور ماهیگیری‌ها به چه سایزی باشد کجاها ماهیگیری کنند حتی چه کشورهای حق ورود به آب‌های ساحلی انگلیس برای ماهیگیری دارند نیز شرط و شروط وجود داشت فلذا یک سری بده بستان‌هایی است که انگلیسی‌ها زیربار این کار نمی‌روند. آنها معتقدند ما باید در آن واحد به نفع خودمان تصمیم‌گیری کنیم بنابراین چرچیل یک ارثیه‌ای از خود به جا گذاشته بود که سیاست‌مداران را از ورود به هر نوع اتحادیه‌ای منع کرده بود این تفکر همیشه در انگلیسی‌ها به خصوص حزب محافظه کار بود و سیاسیون این را زمزمه می‌کردند تا اینکه چند سال پیش به اکثریت رسیدند و توانستند رای را برای خروج از اتحادیه بگیرند.

■ انگلیسی‌ها برای خروج از اتحادیه به انگلیسی‌ها دروغ گفتند!

در جریان برگزیت که ریشه در تاریخ دارد در ژوئن ۲۰۱۶ همه پرسی‌ای برگزار شد و ۱۷ میلیون در مقابل ۱۶ میلیون رای به خروج از اتحادیه دادند بعدها گفته شد که حقیقت را به مردم نگفتند و اگر گفته بودند مردم به خروج از اتحادیه رای نمی‌دادند آیا شما این مسئله را تایید می‌کنید؟

بله. دقیقا همین گونه است. مثال آن را هم می‌زنم و این مستند است و اسنادش هم در کتابی منتشر شده و من خودم آن را خواندم به عنوان مثال قبل از اینکه انگلیس برای خروج از اتحادیه اقدام کند در دولت آقای دیوید کمرون گزارشی تهیه می‌شود که بندهای مختلف و موارد مختلف داشت. یکی از بندهایش این بود که یکی از تبعات خروج از اتحادیه اروپایی کاهش ۱۵ ال ۱۷ درصدی درآمد مردم انگلیس خواهد بود چون معادل ۴۰۰۰ پوند انگلیس در سال می‌شود و دولت کمرون این پاراگراف را حذف کرد و نگذاشت به اطلاع مردم برسد در آنجا و در همه دنیا هزینه‌ها و درآمدها برای مردم مهم است. شاید اگر مردم انگلیس می‌دانستند این را نمی‌پذیرفتند و الان به نظر من اگر انتخابات دومی را برگزار کنند مردم به ماندن داخل اتحادیه اروپایی رای می‌دهند و حتی برخی گفته‌اند که دولت بایدن در آمریکا چون معتقد به چندجانبه گرایی است و به اتحادیه اروپایی توجه می‌کند چه بسا به نفع انگلیس باشد که به اتحادیه برگردد فلذا قابل تایید و مستند است.

■ رشوه و فامیل بازی در اتحادیه اروپایی بیداد می‌کند

سابقه ی تاریخی اتحادیه، رقابت‌های درونی، نقش آلمان و فرانسه در این اتحادیه و تلاش طولانی مدت انگلستان برای خروج از اتحادیه از آن دست مسائلی است که همه می‌دانند و اما چه می‌شود که ناگهان انگلستان تصمیم به خروج می‌گیرد، اتحادیه استقبال می‌کند به نحوی که حتی فرصت پشیمان شدن نیز به لندن نشنان نمی‌دهند؟!

روابط انگلیس با اتحادیه همان طور که گفتم سابقه از سال ۱۹۴۵ بعد از جنگ جهانی دوم دارد که انگلیس قصد خروج داشته است. مسئله دوم اینکه انگلیسی‌ها خودشان را برتر از اروپایی‌ها می‌دانند. اروپایی‌ها را دهاتی حساب می‌کنند و من چون خودم هم در انگلیس بودم هم در اروپا این مسئله را تایید می‌کنم. کلاس و کار انگلیسی‌ها خیلی بالا است و احساس می‌کردند با بودن در چنین اتحادیه‌ای چیزی یافت نمی‌کنند و بیشتر این اتحادیه است که از آنها یاد می‌گیرد. سومین مورد ساختار سیاسی و بروکراسی اتحادیه اروپایی فاسد است مثل کشورهای جهان سوم رشوه و فامیل بازی است که انگلیسی‌ها آن را برنمی تابند و این چند سال هم زورکی در آن بودند. یعنی یک حالت عشق و تنفر بین انگلیس و اتحادیه به وجود آورده بودند و آخرین نکته اینکه وقتی پارلمان انگلیس تصویب کرد آنها به رای اکثریت مردم که مثلا و تقریبا دولت آقای جانسون و خانم ترزا می‌اکثریت بودند و فشار بر خروج در آن بیشتر بود خیلی تاثیر داشت و اتحادیه اروپا با توجه به موارد بالا چاره‌ای جز پذیرش نداشت مقالاتی که در همین چند هفته پیش خواندم اتحادیه اروپایی به خصوص فرانسه و آلمان تاکید دارند که انگلیس در روابط سیاست خارجه به خصوص با ایران بماند هر چند از اتحادیه خارج شده ولی آن سیاست مشترک سه کشور در اتحادیه اروپایی را در روابط با ایران حفظ کند که این مسئله هم جای بحث دارد.

■ جرمی کوربین چهره ی محبوبی نیست

انگلستان اگرچه دو حزب بسیار قوی و شناخته شده دارد اما تفکرات حاکم بر بریتانیا به گونه‌ای است که نگرش حزبی در آن با آن چه در دنیا مرسوم است متفاوت به نظر می‌رسد یا به عبارتی دیگر، حزبی بودن سیاست و قدرت اجرایی در انگلستان مانند خودِ انگلیسی‌ها مرموز به نظر می‌رسد. از بعد برگزیت چنین به نظر می‌رسید که شاید حزب کارگر بتواند قدرت و میدان عمل بیشتری به دست آورد اما آنچه در واقعیت رخ داد این بود که بخشی از هزینه‌های سیاسی بر حزب کارگر تحمیل شد در حالی که انتظار می‌رفت محافظه کاران و نو محافظه کاران انگلیس نیز از پرداخت هزینه بی‌نصیب نمانند! آیا برگزیت چنین فضایی را به وجود آورد یا اتفاق دیگری رقم خورد؟

این سوال بسیار پیچیده است و من خودم هنوز به نتیجه قطعی نرسیدم این سوال یک تز دکتری است منتها رایی که مردم به حزب محافظه‌کار دادند علی‌رغم اینکه از برگزیت پشیمان بودند فکر می‌کنم یکی دو عامل داشت. یکی اینکه هر چند آقای جرمی کوربین یک شخصیت به ظاهر معقول به نظر می‌رسد ولی در راس حزب کارگر به عنوان نخست وزیر مقبولیت مردمی و سیستم ملکه‌ای را نداشت. بارها شنیده بودم که این شخص نمی‌تواند نخست وزیر انگلیس شود. همیشه مطرح بود و من تعجب می‌کردم که چگونه ممکن است چنین چیزی از قبل پیش‌بینی شود و ما دیدیم در عمل این گونه شد. دومین نکته فکر می‌کنم آقای کوربین و حزب کارگر اقدامات افراطی کردند مثلا چیزی شبیه برنی سندرز در آمریکای اکنون که بسیار چپ زد و مقبولیت پیدا نکرد با اینکه آدم معقولی به نظر می‌رسد. در سیستم‌های غربی به خصوص که دیگر از بین رفته چپ زنی و اندیشه کوپنی و از این دست مسائل دیگر جا و بهایی ندارد. لذا جامعه نمی‌پذیرد. در جامعه‌ای که اسلامی است و مشکلات زیاد حتی کوپن را نمی‌پذیرند با اینکه ممکن است عدالت رعایت شود ولی کار و صف حاصل از آن حالت تحقیرآمیز دارد. این است که نمی‌پذیرند و حزب کارگر زیاده روی کرد.

> در دولت آقای دیوید کمرون گزارشی تهیه می‌شود که بندهای مختلف و موارد مختلف داشت. یکی از بندهایش این بود که یکی از تبعات خروج از اتحادیه اروپایی کاهش ۱۵ ال ۱۷ درصدی درآمد مردم انگلیس خواهد بود چون معادل ۴۰۰۰ پوند انگلیس در سال می‌شود و دولت کمرون این پاراگراف را حذف کرد و نگذاشت به اطلاع مردم برسد در آنجا و در همه دنیا هزینه‌ها و درآمدها برای مردم مهم است. شاید اگر مردم انگلیس می‌دانستند این را نمی‌پذیرفتند و الان به نظر من اگر انتخابات دومی را برگزار کنند مردم به ماندن داخل اتحادیه اروپایی رای می‌دهند و حتی برخی گفته‌اند که دولت بایدن در آمریکا چون معتقد به چندجانبه گرایی است و به اتحادیه اروپایی توجه می‌کند چه بسا به نفع انگلیس باشد که به اتحادیه برگردد

> قطعاً یک ساعت گفت و شنود با یک کارشناس مسائل سیاسی بین‌الملل که سال‌ها تجربه ی امور دیپلماتیک دارد دستاوردهای قابل تأملی دارد که لا به لای مصاحبه، خودش را نشان می‌دهد. اما بارزترین نکته در این مصاحبه دست گذاردن بر یک واقعیت بود. دکتر کریمی می‌گوید: نه از اتحادیه ی اروپایی جز نام چیزی مانده و نه خاورمیانه در معنایی که می‌شناختیم دیگر وجود خارجی دارد؛ کدام اتحادیه ی اروپایی، کدام خاورمیانه؛ آن که در اسناد تاریخی می‌نویسند یک واقعیت است آنچه می‌بینیم حقیقتی دگرگون شده! این کارشناس مسائل سیاسی معتقد است خروج انگلستان هزار و یک دلیل داشت یکی همین ساختار فاسد و از درون متلاشی اتحادیه اروپا!

■ انگلیسی‌ها از چالش نمی‌ترسند

آن روزها که بحث برگزیت داغ بود، آن چه بیشتر از همه انگلستان را از روی لبه ی تیز ریسک قرار می‌داد چهار مسئله بود: مباحث مرزی، تحریک ولز، اسکاتلند و ایرلند برای استقلال خواهی، کاهش شدید ارزش پول ملی و رکود اقتصادی. چه دلیل محکمی وجود داشت که با تمامی این مخاطرات بازهم انگلستان تلاش می‌کند برگزیت را اجرایی کند؟

انگلیسی‌ها یک خصلت خیلی خوب دارند و آن این که در مقابل چالش‌ها نمی‌ترسند هر چند این ۴مورد که شما گفتید مهم است ولی اینها می‌گویند مهم نیست چالش است دنبالش می‌رویم حضرت علی(ع) می‌فرمودند خدایا مشکل و مصیبت بده تا من حل کنم. برعکس ما دعا می‌کنیم مشکلی نباشد. مسئله مرزی بین ایرلند شمالی و جنوبی جدی است که آن هم قابل حل است به خصوص اینکه بایدن همه در این چند روز اعلام کرد که این مرز به هر صورت نباید سد شود فلذا قابل حل است منتها اگر دولت مرکزی انگلیس زیاد سخت نگیرد. انگلیسی‌ها قصد چزاندن اتحادیه اروپایی را دارند که از ایرلند و اسکاتلند بهره مند نشود و اینها قابل حل است و اگر عقب نشینی کند مشکلی برایش پیش نمی‌آید. دومین مسئله تحریک اسکاتلند است. در گزارشی که راجع به اسکاتلند دادند بیان شده که شهروندان آنها هم مقداری هزینه از دست می‌دهند و چون این را فهمیدند قبلا بازار استقلال گرم بود اما الان دو سالی است که خبری نیست البته چند روز پیش اعلام کردند که می‌خواهند رفراندوم گذارند. اما من فکر می‌کنم با چشم بازتر اگر رای بیاورد قابل بررسی است چون اسکاتلند منابع ذخائر نفتی دریای شمال را دارد پشتگرمی می‌تواند برای استقلال داشته باشد ولی این چارچوب بر مبنای همان چیزی است که عرض کردم دولت مرکزی لندن یا همان ملکه اینقدر انعطاف پذیر است که کاری می‌کنند اتحادشان حفظ شود به عنوان مثال من خودم در گلاسکو اسکاتلند بودم پول بیرون آوردم که به میوه‌فروشی دهم میوفروش با لهجه اسکاتلندی که من کمتر متوجه شدم به من اعتراض کرد که دیگر نبینم تو این اسکناس را به من می‌دهی این اسکناس اسکناسی بود که من از لندن آوردم و عکس ملکه روی آن بود. خود اسکاتلند اسکناس‌هایی دارد که عکس ملکه روی آن نیست و این در آنجا رایج است. البته اسکناس را می‌گیرند اما با کراهت. منظور این است اسکاتلند به قدری آزادی دارد پارلمان مستقل در آموزش در قوانین داخلی و غیره و ذالک که کلا مستقل است فقط در دفاع و سیاست خارجی احتمالا وابسته است. حتی پایگاه‌های زیردریایی آمریکا در اسکاتلند است. بنابراین مشکلی نیست مثل برگزیت که قوانین با اتحادیه اروپایی طراحی می‌کنند آن هم مقررات نیز مشکلات موجود بر سر راه اجرایی شدن برگزیت را لغو خواهند کرد. مسئله ی سوم پول بود باید بگویم خیر من هنوز به این مسئله اعتقاد ندارم که ارزش پولش پایین آید چون پوند انگلیس به دلار آمریکا گره خورده است و الان هم قویترین پول دنیا است. آخرین هم در مورد رکود اقتصادی بود که سوال بسیار مهمی است تخمین زده‌اند که روزانه اینها به دلیل عدم توافق با برگزیت بسیار خسارت مالی می‌دهند. حالا رفتن هیچ همین قدر هم که آنها توافق نکردند خسارت می‌دهند این درس مهمی برای ما است یعنی تفوق سیاسی بر اقتصادی است یعنی حاضرند گرسنگی بکشند کمتر بخورند بیکاری داشته باشند اما تصمیم درست سیاسی گیرند. این بسیار مهم است این درسی برای کشورها است. لذا انگلیسی‌ها حاضر شده‌اند تمامی هزینه‌های ممکنه را بپردازند چون احساس می‌کنند درست‌ترین تصمیم سیاسی همین است.

■ انگلستان همچنان ابرقدرت است اما زیر سایه ی آمریکا

سفر چندسال قبل آقای جک استراو به ایران حاشیه‌های بسیاری داشت ایشان در بازگشت به انگلستان کتابی نوشت با عنوان:«کارکار انگلیسی‌ها است» متأثر از کتاب«دائی جان ناپلئون» اثر ماندگار«ایرج پزشکزاد». در جایی از این کتاب می‌نویسد:«تعجب من از این بابت است که ایرانی‌ها همچنان انگلستان را یک ابرقدرت می‌دانند.» آیا انگلستان یک ابرقدرت نیست؟

من اتفاقا با اینکه ۳۰ سال در کار سیاست بودم معتقدم ابرقدرت است. انگلیس هنوز چهار راه سیاسی است. همیشه در تحلیل‌ها دو گروه با من مخالفت می‌کنند و دو گروه می‌پذیرند دو گروه مخالف یکی خود انگلیسی‌ها هستند و دیگری نخبگان ایرانی. دو گروه موافق عوام در ایران و آمریکایی‌ها می‌باشند. انگلیسی‌ها هنوز هم ابرقدرت‌اند منتها نه به صورت ابرقدرتی سخت افزار. الان در یمن ما همیشه می‌گوییم ائتلاف سعودی-آمریکایی یمنی‌ها را زدند در حالی که این ائتلاف سعودی-آمریکایی-انگلیسی است یعنی انگلیسی‌ها با آمریکایی‌ها برای عملیات در خاورمیانه مرکز کنترل در ویرجینیا یا فلوریدای آمریکا دارند در انگلیس هم دارند در قبرس هم دارند خیلی جاهای دیگر نیز دارند این در هم تنیدگی سیاست خارجی و دفاعی آمریکا و انگلیس در سه حوزه اتمی، ارتش و اطلاعاتی از زمان چرچیل گره خورده یعنی کاری هم به ترامپ و کمرون خانم می‌و آقای جانسون ندارد. یعنی بهم وابستگی و در هم تنیدگی در ارتش دو کشور است. تبادل اطلاعات بین سازمان‌های اطلاعاتی و ارتش‌های دو کشور است و عملیاتی آن هم مشترک است لذا این ابرقدرت همیشه در کنار آن ابرقدرت است و به آن خط می‌دهد و قدرت نرم دارد پس ابرقدرت است الان قدرت را به قدرت نرم و قدرت سخت تقسیم می‌کنند آمریکا قدرت سخت است قدرت نرم انگلیس است کتابی دو هفته پیش منتشر شده که اوباما هم گفته است که انگلیسی‌ها دولت آمریکا را به زور در کودتای ایران کشیدند. الان اگر بخواهیم درصد دهیم به کدام درصد بیشتری می‌دهیم؟ یعنی ۷۰ ـ ۸۰ درصد انگلیس در کودتای علیه مصدق نقش داشته ۳۰ ـ۴۰ درصد پول و حملات را آمریکایی‌ها عملیاتی کردند.

■ ترامپ انتخاب شده بود

انگلستان مواضع سخت‌تری علیه اتحادیه اتخاذ می‌کرد

اتفاقی در برگزیت افتاد که خیلی‌ها به آن توجه نکردند و آن هم تغییر دیدگاه بعضی از چهره‌های تراز اول انگلستان بود، بوریس جانسون، ترزا می، جرمی کوربین و... این دیدگاه‌های چندگانه در نظر مردم انگلستان چگونه است، حافظه ی تاریخی و سیاسی انگلیسی‌ها به این گونه چندگانگی‌ها معترض نمی‌شود؟

در حزب محافظه کار هم جناح طرفدار اتحادیه اروپایی وجود دارد هم جناح مخالف آن و تا قبل از انتخابات یا رفراندوم برای خروج، جناح طرفدار اتحادیه اروپایی در حزب محافظه کار اکثریت داشتند آقای بوریس جانسون از افرادی است که همیشه مخالف بوده از قبل از اینکه به نخست وزیری برسد حتی زمانی هم که شهردار بود مخالف بود خود را nek red می‌دانست(گردن قرمز). چرچیل و خانم تاچر هم از عضویت در هر نوع اتحادیه‌ای منع می‌کردند اینها خود را آمریکایی می‌دانند چون یک ریشه شان به آمریکا می‌خورد. پدر یا مادرشان آمریکایی بودند. لذا خود را به آمریکا نزدیک‌تر می‌بینند تا اروپا. خانم آقای جانسون را در جناح ضد اتحادیه می‌بینیم و همیشه این بوده است. الان هم اگر تغییر کرده مقداری به خاطر آقای بایدن است چون آقای بایدن طرفدار اتحادیه اروپایی و چندجانبه گرایی و مخالف خروج انگلیس از برگزیت و نگران ایرلند و آن مرز است و چه بسا اگر آقای ترامپ مجددا انتخاب می‌شد آقای جانسون موضع سخت‌تری علیه اتحادیه می‌گرفت و حتی در خبرها بود که اتحادیه اعلام کرده که موضع انگلیس برای توافق برای خروج از اتحادیه انعطاف پذیر شده است. یعنی آقای جانسون آنقدر طول داد تا نتیجه انتخابات آمریکا مشخص شود تا بر مبنای آن واکنش نشان دهد. که این نکته‌ای که شما ارائه فرمودید در این رابطه است منتها خانم می مجبور به استعفا شد در جناح طرفدار اتحادیه اروپا بود حتی در مذاکرات اقداماتی می‌کرد که باعث شورش علیه او شد و منجر به استعفا.

حافظه تاریخی ـ سیاسی انگلیسی‌ها چگونه است؟

انگلیسی‌ها خدای وفق دادن خودشان با شرایط هستند این است که با توجه به انتخابات آمریکا و آمدن آقای بایدن خود انگلیسی‌ها هم متوجه شدند که به هر حال باید انعطاف پذیر باشند انگلیسی‌ها وقتی با چالشی مواجه می‌شوند خودشان را با آن چالش وفق می‌دهند مثلا آقای بایدن اولش که می‌خواهد بیاید این جوری است اما ولی بعد چک می‌کنند اگر دیدند زمینه است باز تند می‌شوند اگر نبود یواش می‌شوند یعنی همین خروج از اتحادیه یک پروسه ۵۰-۴۰ ساله بوده که الان از آن خارج شدند همیشه نق می‌زدند ولی در عین حال همکاری می‌کردند درچارچوب اتحادیه بودند و اینها معتقدند آنقدری که در اتحادیه بودند و پیشرفت داشتند و پسرفت نداشتند و درست هم می‌گویند من خودم بودم به محض اینکه رفراندوم مشخص شد و از برگزیت خارج شدند درخواست پایگاه نظامی کردند درخواست ماهیگیری از سواحل نامیبیا کردند چون ماهی‌های خوبی دارد و در آنجا مشهور است و بیان کردند ما نامیبیا به دروازه‌ای برای ورود به سه کشور جنوب آفریقا می‌بینیم. اینها اگر عضو اتحادیه بودند چنین اقدامی نمی‌توانستند انجام دهند. بنابراین فکر می‌کنند در نامیبیا باید پایگاه نظامی داشته باشند تا چین را هم که در آنجا پایگاه نظامی دارد در اقیانوس رصد کنند بنابراین بیراه هم نمی‌گویند که در اتحادیه دست و بالشان بسته بود و توان جهش بیشتری دارند که اتحادیه این را برای آنان فراهم نمی‌کرد. هر زمان هم در اتحادیه بودند هر مثال در مذاکرات با ما حرف حرف انگلیس بود. در انگلیس و بسیاری از کشورهای غربی عرف بر این است که می‌گویند هر ۴ سال یک بار رای بدهید و بعد دنبال مشغله خود بروید اگر از دولت راضی یا ناراضی بودید ۴سال آینده دوباره به همان یا به مخالف او رای

دهید لذا افکار عمومی با این چرخش سیاسی خیلی متعجب نمی‌شود ممکن است یک سری مجادلات و مناقشات بین خود رسانه‌ها و خبرنگارها باشد ولی اذهان عمومی زیاد به آن توجه نمی‌کنند.

بایدن ایرلندی تبار است و شاید این توقع ایجاد شود که در دوران ریاست جمهوری هوای ایرلندی‌ها را بیشتر داشته باشد، آیا چنین مباحثی می‌تواند روی روابط آمریکا و انگلستان تأثیر گذار باشد؟

قطعا علقه‌هایی که در هر رئیس جمهوری با اروپا وجود داشته باشد قطعا بی‌تاثیر نیست. حتی شنیدم که آقای ترامپ بسیار به مردم زادگاه همسرش یعنی صربستان کمک کرد. اما دموکرات‌ها بیشتر بر مبنای خرد جمعی، کنگره، مشورت، متحدین و چندجانبه گرایی توجه می‌کنند. مثلا آقای بایدن در صحبت‌های تبلیغاتی‌اش قبل از انتخابات گفته است ما به دیکتاتورها اجازه نمی‌دهیم همان آزادی و راحتی که در زمان ترامپ داشتند را داشته باشند. ولی شاید شاهد بودیم به محض اینکه به کاخ سفید ورود می‌کنند بگویند مثلا توافق کردیم ۲۵ میلیارد اسلحه به آنها بفروشیم صنایع تسلیحاتی ما باید فعالیت کنند و در حال تحقیقات هستند بیکاری را کم کردیم وقتی با این موارد روبه رو شود چه بسا سیاست او عوض شود و معمولا اینگونه است و قاعدتا نباید به سخنرانی‌هایی که قبل از انتخابات صورت می‌پذیرد که برای جلب افکار عمومی و گرفتن رای است زیاد اعتقاد داشت و جدی تلقی کرد. در عالم سیاست این مسئله طبیعی است که فضای انتخابات فضای انتخابات است و ربطی به بعد از انتخابات ندارد...

■ ناتو اهرم قدرت انگلستان است

اتفاقاتی در حواشی اتحادیه اروپایی رخ داده یا با محوریت اتحادیه ی اروپایی شاهد تحولات سیاسی بسیاری بوده‌ایم که بودن و یا نبودن انگلستان درون اتحادیه می‌تواند تعیین‌کننده باشد نظر شما چیست؟

در خبرها خواندم که ناتو به محض مطلع شدن از انتخاب آقای بایدن ترتیب یک نشست را در ۲۱ ژانویه دادند که تکلیف را در آنجا روشن کنند. چند پیش فرض داریم که من به این نتیجه رسیدم که البته ممکن است مقبول نباشد. ۱. ناتو یک اهرم قدرتی برای انگلیس است حتی آقای ترامپ هم که مخالف ناتو بود اما انگلیس سرسختانه در نشست لندن برای ادامه حیات و بالا بردن بودجه تلاش کرد تا آن را حفظ کنند و اگر نه اصلا ناتو چون در مقابل پیمان ورشو بود ماهیت وجودی‌اش لازم نیست اما هست چون یک اهرم بسیار قوی با جیب آمریکا به نفع انگلیس در اروپا است. ۲. اینکه آمریکا سایه ترس روسیه را نمی‌گذارد از روی اروپا برداشته شود هم می‌تواند درست باشد هم نادرست یعنی الزاما دست آمریکا نیست چون روسیه واقعا کشور عظیمی است حتی در نقشه هم نگاه می‌کنیم آدم می‌ترسد. من در دوران تحصیل در کتاب‌ها خواندم که آمریکا کوچکتر از آنچه که در نقشه‌ها نشان داده می‌شود است چون کوچکتر است خودشان توافق کردند که یک و نیم برابر بزرگتر شود یعنی مساحت اروپا در نقشه‌ها حتی جعلی است و کوچکتر از آن است. ۳. اگر استراتژی امنیت ملی پوتین در سال ۲۰۰۰ همان سال اولی که به قدرت آمد را مطالعه کنیم و چون بی‌تجربه بود خیلی علنی گفت روسیه راغب است در موسسات اروپایی ادغام شود و این مسئله را هم آمریکا می‌داند و هم اروپایی‌ها و این اجازه را چون به او نمی‌دهند مدام از او امتیاز کسب می‌کنند. روسیه خیلی خودش را آسیایی نمی‌داند اروپایی می‌داند مثل ترکیه. این‌ها به اروپایی‌ها که می‌رسند التماس می‌کنند بعد در آسیا با همسایه‌ها قلدری می‌کنند. به هرحال آنجا یک مکان پیشرفت است تکنولوژی وجود دارد، پول‌های قوی است بازار خوبی است. هر چقدر آنجا بفروشیم با پولی که به دست می‌آوریم در مقایسه با آنچه که در هند می‌فروشیم و پولی که کسب می‌کنیم اصلا قابل قیاس نیست. بنابراین اگر این پیش فرض‌ها را در کنار هم بگذاریم درست می‌گویید که یک مسئولیت خطیر بر عهده انگلیس است از یک سو باید ناتو را حفظ کند از سوی دیگر نباید بگذارد روسیه برخلاف میل آلمان و فرانسه که می‌خواهد با آنها تعامل و هم زیستی داشته باشد عمل کند از یک طرف دیگر هم آمریکا را داخل اروپا کند که با آمدن آقای بایدن خود به خود این امر ممکن می‌شود. مک میلان، نخست وزیر دهه ۶۰ انگلیس جمله جالبی درباره ناتو دارد: یک هدف از پیدایش ناتو این است که آمریکا را متعهد به دفاع از اروپا کنیم روسیه را خارج از اروپا نگه داریم و آلمان را تحقیر کنیم یعنی کاری کنیم مجددا ظهور نکند که کماکان هم این هدف در انگلیس دنبال می‌شود.

در بین کشورهای اتحادیه اروپایی مثلث آلمان، فرانسه و انگلستان اصل است باقی کشورها چندان اهمیتی ندارند. حالا در کنار آلمان که سرش گرم اقتصاد و صنعت و پولسازی است و انگلستان که بیرون رفته، فرانسه ترکتازی می‌کند به نظر شما اگر فرض را بر تصمیمی دال بر بازگشت به اتحادیه بگیریم آیا فرانسوی‌ها با این مسئله کنار خواهند آمد، بازگشت انگلیسی‌ها قدرت فرانسه را تحت‌الشعاع قرار نمی‌دهد؟

نه الزاما. بیاید قویتر می‌شود و فرانسه این مسئله را برمی تابد چون قبلا هم سابقه داشته با هم بودند. فرانسه برای اینکه رهبری خود را تثبیت کند چنین صحبت‌هایی هم می‌کند. چون در انگلیس رفراندوم بوده است با رفراندوم دوم که بعید است فقط می‌تواند برگشت کند. مذاکرات است اما شاید بیشتر در مورد مسائلی مثل ویزا که قابل انعطاف پذیری است، باشد یا شهروندان مختلفی که در کشورهای دیگر وجود دارند اجازه اقامت دهند ممکن است موقعیت اتحادیه و انگلیس بهتر شود اما تا اینکه جامه عمل بپوشند فاصله زیاد است. در مورد آلمان باید بگویم آلمان چون کشور شکست خورده جنگ جهانی دوم بوده به نظر من هنوز کشوری است که اشغال شده است و زیاد موافق درگیر شدن در مسائل سیاسی نیست این دقیقا مساوی با این است که نمی‌تواند شود فلذا این جوری نشان می‌دهد که نمی‌خواهد شود. اصلا سیاست خارجه مستقل ندارد ارتش مستقل ندارد همه کارهایش باید با اجازه باشد در فروش صنایع‌اش که خیلی مرغوب است چون یک سوم بودجه اتحادیه اروپایی را باید تامین کند به خاطر همان غرامت جنگ بنابراین در فروش صنایع‌اش دست باز دارد.

■ شغل اصلی انگلستان توطئه است

فرجام برگزیت فرجام خوبی خواهد بود؟

بله. انگلیسی‌ها همیشه نشان دادند در هر سیاستی که رفتند واقعا تعمق کردند و بعد بر مبنای آن خوب اقدام می‌کنند و جلو می‌روند. من فکر می‌کنم ما شاهد فعالیت بیشتر انگلیس البته به صورت مخرب خواهیم بود. انگلیس همیشه بیشتر کارش توطئه است الان دست بازتر خواهد داشت ولی در زمانی که در اتحادیه بود کماکان به دلیل همان قوانین اتحادیه اروپایی باید شفاف‌تر و گروهی عمل می‌کردند اما الان تنها شده است. در آفریقا که شروع کردند فرانسه به نظر من لجام گسیخته‌تر خواهد شد البته از نظر خودشان عالی و خوب است اخیرا تصمیم گرفتند که بودجه دفاعی را بالا برند هم زمان بودجه کمک تسلیحاتی به کشورهای جهان سوم را پایین آورند که رقمی که در نظر گرفته‌اند می‌گویند بسیار زیاد و بی‌سابقه بوده است.

چرا اذهان عمومی پرونده برگزیت را نمی‌بندد؟

تقصیر خودشان است که نمی‌خواهند ببندند البته اینها به خاطر رد گم کنی است به محض مشخص شدن رفراندوم در انگلیس هیئت‌هایی به تمام دنیا رفتند تا ببینند چطور می‌توانند سرک کشند. کجاها عقب ماندند ترمیم کنند. یعنی انگلیس تمام دنیا را سرگرم نگه داشته تا کارهای خودش را انجام دهد. الان اگر در اینترنت ۵eyes را جستجو کنیم که چند وقت پیش در زمان دونالد ترامپ رونق گرفت یکی از نصحیت‌های چرچیل است که گفته است اگر ۵ کشور استرالیا، نیوزلند، انگلیس، کانادا و آمریکا به عنوان چشم جهان دست در دست هم دهند جهان از آن آنان است.

■ بی جهت اتحادیه اروپایی را خیلی پر رنگ می‌کنیم اتحادیه‌ای نیست!

آیا اذهان عمومی انگلستان به دلیل تبعات بد اقتصادی خواهان بازگشت به اتحادیه است؟

اینها نیازمند مطالعه میدانی است البته هر جامعه‌ای مشکل دارد یعنی انگلیس که بمب اتم دارد و عضو شورای امنیت است کشوری قوی است به این معنا نیست که کارتن خواب خیابانی ندارد به نظرم این مسائل طبیعی است. در هر جامعه‌ای این موارد را داریم. معتقدم در مورد اتحادیه اروپایی مقداری غلو شده است. بی‌جهت در ایران اتحادیه اروپایی را خیلی پر رنگ می‌کنیم. اتحادیه‌ای نیست اتحادیه واقعا فرو پاشیده فاسد است فاسدتر از خود جامعه انگلیس است. انگلیس این مسئله را پیش‌بینی کرد و پیشگیری کرد که بخواهد با آنها غرق شود باید توجه مان را روی اتحادیه اروپایی حتی مثلا مذاکرات با اتحادیه اروپایی کم کنیم. کجا کشورهایی مثل اسکاندیناوی، رومانی، اسپانیا و ایتالیا شرکت دارند. از دوکلمه اتحادیه اروپایی و خاورمیانه باید پرهیز شود. از خاورمیانه فقط ایران مانده است. اتحادیه اروپایی هم همین طور. پیش‌بینی شده بود اگر ترامپ دور دوم انتخاب شود جنگ‌های رقابتی به اروپا برمی‌گردد و اروپا به قرن ۱۹ برخواهد گشت. اما با آمدن بایدن شاید نفسی گیرد برای ادامه حیات.

یعنی اتحادیه اروپا از درون پوسیده شده است؟

بله. تقریبا همین طور است. یکی از دلایلی که انگلیسی‌ها از اتحادیه بیرون آمدند بروکراسی اتحادیه اروپایی بود. در آن فساد بود. در اخبار بود که مثلا نمایندگان مجلس فرانسه اقوام خود را به عنوان مشاور در پارلمان اروپا استخدام کردند. نماینده مجلسی خانمی فرانسوی بود که دندانپزشک خود را به عنوان مشاور معرفی کرد و حقوقی از اتحادیه اروپایی می‌گرفت. انگلیسی‌ها اگر مشکلات اخلاقی داشته باشند در مسائل مالی جدی هستند چون بیشتر درآمدشان از مالیات است یعنی همان حق‌الناس. ریخت و پاش اتحادیه اروپایی بسیار زیاد بود و انگلیس به عنوان ضلعی از مثلث قدرتمند مجبور بود هزینه‌های زیادی برای اروپای خاطی کند و هیچ پیشرفتی هم حاصل نمی‌شد. چون در کشورهای شرقی اتحادیه اروپایی به مراتب بودجه‌هایی که اتحادیه برای عمران و آبادی می‌داد حیف و میل می‌شد. در ایران نه تنها ما نباید اتحادیه را پر رنگ کنیم بلکه همان حقایق زیر پوست آشکارش را باید بیشتر بتوانیم نمایان کرده و به سمع و نظر مردم برسانیم و از به کارگیری این اصطلاح هم خودداری کنیم.

پس نتیجه می گیریم انگلیسی‌ها صابون همه چیز را به تن خود مالیده‌اند و وارد این بازی شده‌اند درست است؟

بله در این مسئله شک نکنید. همین توافق از ۲۰۱۶ شروع شد. ۴ سال با توجه به آن خسارات مالی. پس روی تعمق بوده است. الان در موسسات تحقیقاتی‌شان در مجلس شان چکش کاری می‌شود لذا برای خروجش هم چنین پروسه‌ای را هم انجام دادند.

مسائل چهارگانه‌ای که به عنوان تبعات برگزیت برای بریتانیا برمی شمردند آیا باعث خواهد شد بازگشت از تصمیمات قبلی میسر شود؟

عالم سیاست ماند علم اقتصاد نیست که دو به اضافه دو چهار شود. اگر مثلا دولت کارگری می‌آمد احتمال بازگشت بود یا مثلا رفراندوم دوم باشد یا سقوط کند. صحبت‌های کنار گذاشتن آقای جانسون از سوی حزب محافظه کار را شنیدم یا خودش گفته است حقوقی که به من داده می‌شود کفاف زندگی من را نمی‌دهد و این شغل برای من مناسب نیست. اگر چنین وقایعی اتفاق افتد باید آماده هر گونه تحول بود. امروز که صحبت می‌کنیم وضعیت این است.

■ تعاملات آینده انگلستان و آمریکا

آیا با آمدن بایدن در روند مناسبات انگلستان و ایالات متحده ی آمریکا تغییری حاصل خواهد آمد؟

انگلستان با بایدن ابدا مشکلی نخواهد داشت. در هر صورت خروج از اتحادیه به نفعش بوده وگرنه این کار را نمی‌کرد. بنده این جور می‌بینم. خیلی از کشورهای قدرتمند هستند به قیمت تضعیف جامعه خود روی تصمیماتی مصمم بودند. البته با استانداردهای خودشان. مثلا ترامپ که در جامعه بین‌المللی یک قلدر تمام معنا است اما در مسائل داخلی مثل مبارزه با ویروس کووید ناموفق بود. این‌ها امری طبیعی است وقتی کشوری می‌خواهد نقش بین‌المللی بزرگتری داشته باشد مجبور است از یک سری از موارد در منزل بزند به نظر من اگر بخواهند وجهه انگلیس را در روابط بین‌الملل ببینیم در مسائل و بحران‌های بین‌المللی انگلیس حضور پر رنگ‌تری خواهد داشت و این چیزی است که طرفداران خروج از اتحادیه یعنی جناح محافظه کار می‌خواستند.

انگلستان هم چنان در پیدا و پنهان متحد ایالات متحده آمریکا باقی خواهد ماند؟

دقیقا. آلمان در مسائل اقتصادی با فرانسه بسته است و در مسائل امنیتی به دلیل شکست خوردن در جنگ دوم و کشور اشغال شده انگلیس و آمریکا آنجا حضور دارند. آمریکا برخی از تجهیزات نظامی را از آلمان به لهستان برده است لذا کشوری که اشغال شده است در تدابیر امنیتی وابسته به آتلانتیک و ناتو است.

چرا ترامپ با آلمان خوب برخورد نمی‌کرد؟

چون آنها آلمان را سرزمین اشغال شده خودشان می‌دانند و احساس مالکیت دارند. انگلیس و فرانسه هم همین حالت را دارد همیشه اگر بخواهیم بین سه کشور آلمان و انگلیس و فرانسه رتبه‌بندی کنیم آلمان شماره سه است. آلمان را همانند اتحادیه اروپایی بیش از آنچه که است می‌پنداریم.

تعاملات روسیه و اتحادیه بر چه مبنایی ادامه پیدا خواهد کرد؟

دقیقا شک نکنید حداقل تا وقتی که پوتین باشد وضع به همین شکل فعلی است. کلا سیستم لیبرال دموکراسی غربی‌ها هر سیستمی که مثل خودشان نباشد را برنمی تابند به همین دلیا ایران، چین و روسیه را دشمن تلقی می‌کنند لذا به عنوان یک چالش باید بازی کنند اگر زورشان رسید از بین ببرند یا مخالفت کنند یا مصالحه نکنند این بر مبنای همان تضاد تفکر ایدئولوژیک لیبرال دموکراسی با بقیه سیستم‌ها است.

این یک تز قابل تحلیل است که:«زیاد روی اتحادیه حساب نکنیم چون چیزی از اتحادیه باقی نمانده...»

باید یک توازن دوجانبه بین کشورهای اروپایی و چندجانبه با موسسات بین‌المللی داشته باشیم. اتحادیه اروپایی مثل یک موسسه بین‌المللی مثل شانگ‌های مثل ناتو مثل اکو خودمان. در همان ردیف باید ببینیم با توجه به شرایط زمانی و مکانی. الان جایگاه اتحادیه اروپایی در روابط بین‌الملل صحنه جهانی مثل گذشته نیست ممکن است در داخل خودشان و کشورهای فقیر خوب باشند اما برای یک صحنه جهانی و یا خاورمیانه آنقدر جایگاه ندارد و ما نباید خیلی به آن بها دهیم.

پس باید پذیرفت مشکلات اتحادیه ی اروپایی چندان حاد نیست و خطر فروپاشی وجود ندارد؟

دقیقا. اینها کشورهایی هستند که ریشه دارند تمدن غربی در علم، فعالیت در فضا. بسیاری از کشف واکسن‌ها از غرب است. در تولید علم و تکنولوژی همیشه برتر بودند. یکی از دلایلی که اروپا در چشم ایرانی‌ها بسیار اهمیت دارد چون در مقایسه با همسایگان مان اروپا بهتر بوده نه عرب هستیم نه شبه قاره هندیم نه چیزی از همسایه‌ها عاید ما شده است. بنابراین فرض را بر این گذاشته‌ایم که همسایه نزدیک ما اروپا است. حداقل در زمان قبل از انقلاب این گونه بوده است بعد از انقلاب ما در چالش با آمریکا و اروپا بودیم و توجه ما به همسایه‌ها و آسیا معطوف شد ولی در کل اگر دنبال تکنولوژی و علم هستیم در اروپااست. ما الان با آنها مشکلی نداریم اگر با غرب چالش داریم برای جا انداختن خودمان است نه در رد یا پذیرش آنها. تروری که اخیرا انجام شد برای این است که آنها نمی‌خواهند ما پیشرفت کنیم چون ما می‌خواهیم شرایط جدیدی برای خود تعریف کنیم آنها با ما مقابله می‌کنند. اگر ما تلاش کنیم که چگونه بازی کنیم. به یک مخرج مشترک مسالمت آمیز برسیم یک نوع تبادل متقابل بین اسلام و ایدئولوژی غربی‌ها خواهد بود. در حوزه علمیه‌ها می‌گویند ارسطو؛ این تمدش از کجا آمده ریشه علمی‌اش از کجا آمده. بنابراین ما نباید روی کلمه فروپاشی زیاد تمرکز کنیم و بر مبنای یک همزیستی مسالمت آمیز تاکید کنیم.

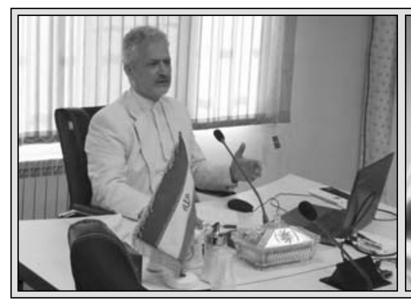

> ■ ساختار سیاسی و بروکراسی اتحادیه اروپایی فاسد است مثل کشورهای جهان سوم رشوه و فامیل بازی است که انگلیسی‌ها آن را برنمی تابند و این چند سال هم زورکی در آن بودند. یعنی یک حالت عشق و تنفر بین انگلیس و اتحادیه به وجود آورده بودند و آخرین نکته اینکه وقتی پارلمان انگلیس تصویب کرد آنها به رای اکثریت مردم که مثلا و تقریبا دولت آقای جانسون و خانم ترزا می‌اکثریت بودند و فشار بر خروج در آن بیشتر بود خیلی تاثیر داشت و اتحادیه اروپا با توجه به موارد بالا چاره‌ای جز پذیرش نداشت
>
> ■ رایی که مردم به حزب محافظه کار دادند علی رغم اینکه از برگزیت پشیمان بودند فکر می‌کنم یکی دو عامل داشت. یکی اینکه هر چند آقای جرمی کوربین یک شخصیت به ظاهر معقول به نظر می‌رسد ولی در راس حزب کارگر به عنوان نخست وزیر مقبولیت مردمی و سیستم ملکه‌ای را نداشت. بارها شنیده بودم که این شخص نمی‌تواند نخست وزیر انگلیس شود. همیشه مطرح بود و من تعجب می‌کردم که چگونه ممکن است چنین چیزی از قبل پیش‌بینی شود و ما دیدیم در عمل این گونه شد. دومین نکته فکر می‌کنم آقای کوربین و حزب کارگر اقدامات افراطی کردند مثلا چیزی شبیه برنی سندرز در آمریکای اکنون که بسیار چپ زد و مقبولیت پیدا نکرد با اینکه آدم معقولی به نظر می‌رسد

> ■ انگلیسی‌ها خدای وفق دادن خودشان با شرایط هستند این است که با توجه به انتخابات آمریکا و آمدن آقای بایدن خود انگلیسی‌ها هم متوجه شدند که به هر حال باید انعطاف پذیر باشند انگلیسی‌ها وقتی با چالشی مواجه می‌شوند خودشان را با آن چالش وفق می‌دهند مثلا آقای بایدن اولش که می‌خواهد بیاید این جوری است اما ولی بعد چک می‌کنند اگر دیدند زمینه است باز تند می‌شوند اگر نبود یواش می‌شوند یعنی همین خروج از اتحادیه یک پروسه ۵۰ـ۴۰ ساله بوده که الان از آن خارج شدند، همیشه نق می‌زدند ولی در عین حال همکاری می‌کردند در چارچوب اتحادیه بودند
>
> ■ یکی از دلایلی که انگلیسی‌ها از اتحادیه بیرون آمدند بروکراسی اتحادیه اروپایی بود. در آن فساد بود. در اخبار بود که مثلا نمایندگان مجلس فرانسه اقوام خود را به عنوان مشاور در پارلمان اروپا استخدام کردند. نماینده مجلسی خانمی فرانسوی بود که دندانپزشک خود را به عنوان مشاور معرفی کرد و حقوقی از اتحادیه اروپایی می‌گرفت. انگلیسی‌ها اگر مشکلات اخلاقی داشته باشند در مسائل مالی جدی هستند چون بیشتر درآمدشان از مالیات است یعنی همان حق الناس. ریخت و پاش اتحادیه اروپایی بسیار زیاد بود و انگلیس به عنوان ضلعی از مثلث قدرتمند مجبور بود هزینه‌های زیادی برای اروپای خاطی کند و هیچ پیشرفتی هم حاصل نمی‌شد

امروز؛ همان فردای دیروز است

«برگُزین»روزنامه‌های ایران

در این ستون ـ بی‌هیچ دخل و تصرفی ـ گزیده‌ای از مطالب روزنامه‌های سراسری کشور را فردای انتشار می‌توانید مطالعه کنید.

دنیای اقتصاد: عصر سوسیالیسم بایدنی

نانسی روزنبلم و راسل مویرهد در کتاب تئوری سیاسی احزاب و تحزب‌گرایی می‌نویسند: «یک حزب سیاسی گروهی از افراد را بر اساس ایدئولوژی و دستورکارهای مشترک در دموکراسی‌های نمایندگی برای کسب قدرت سازماندهی می‌کند.» حزب به این معنا در آمریکا وجود خارجی ندارد؛ چرا که احزاب در آمریکا گروهی از افراد تقریبا متفرق از لحاظ ایدئولوژی و دستورکار را در کنار هم قرار می‌دهند.

دولت بایدن همچون بسیاری از دولت‌های پیشین آمریکا به تناسب ماهیت تاریخی - انضمامی حزب در این کشور، دولت همسنگ شرکت‌های سهامی است؛ یعنی تلاش شده است به طیف‌های گوناگون این حزب سهمی در قدرت و کابینه داده شود. از این حیث سهامداران این شرکت (دولت) را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: سهامداران در دستگاه‌های مرتبط با امنیت ملی و سیاست خارجی و در مقابل، سهامداران در دستگاه‌های مرتبط با اقتصاد، آب و هوا و انرژی. تیم امنیت ملی و سیاست خارجی این دولت را خود بایدن در دست گرفته است و از همین رو بیشتر به چپ میانه گرایش دارد و همین‌طور دموکرات‌های راست‌گرا نیز جایگاه مستحکمی را در آن به خود اختصاص دادند. در مقابل، تیم اقتصادی دولت پساترامپ سهم جریان پیشرو و سوسیالیست‌های حزب به رهبری برنی سندرز شده است...

از همین رو تیمی که قرار است در قالب شورای مشاوران اقتصادی فعالیت کنند، کاملا با این برنامه همسو و هماهنگ هستند. چهره‌های اصلی تیم اقتصادی چپ‌گرایانه بایدن سیسیلیا رز اقتصاددان دانشگاه پرینستون، نیرا تاندن، جرد پرنستاین، هیتر بوشی، ادی واله آدی یمو هستند. این تیم از طرفداران دوآتشه «جنبش هیچ کارگری نادیده گرفته نمی‌شود (NO Worker Left Behind Movement)» هستند تا توان آن را بیابند بخش مهمی از بدنه آرای ترامپ یعنی کارگران یقه‌آبی (کارگران یدی) را به دامن دموکرات‌ها بازگردانند. آنها همچنین قرار است به مصالحه بایدن و سندرز در ۹ جولای جامه عمل بپوشانند؛ یعنی چهار برابر کردن کمک دولتی در حوزه مسکن، سه برابر کردن کمک دولت به مهدکودک‌های خانواده‌های فقیر، رایگان کردن دانشکده‌های منطقه‌ای و گسترش بورسیه‌های دولتی، اهدای ۱۰۰میلیارد دلار برای وام مسکن،۱۰ میلیارد دلار برای بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل در مناطق فقیرنشین، عملیاتی‌سازی برنامه‌های بنیادین در زمینه بیمه سلامت، مهاجرت و مبارزه با گرمایش زمین. متیو ایگلسیاس لیبرال در پایگاه اینترنتی واکس برنامه اقتصادی این تیم را در یک جمله خلاصه می‌کند: «گسترش شدید دولت رفاهی» و مایک هاکبی جمهوری‌خواه و فرماندار سابق آرکانزاس در فاکس‌نیوز آن را مصداق عیان و بارز دخالت بزرگ و شدید دولت در بازار می‌خواند. حال باید دید عاقبت و سرانجام این شرکت سهامی چه خواهد شد؟ اگر قیاس‌های تاریخی را در نظر بگیریم، شاید تجربه دولت جانسون پیش‌رویمان باشد؛ دولتی که تز «جامعه بزرگ» و سوسیالیسم را در داخل استارت زد و جنگ ویتنام و مداخله‌گرایی بین‌المللی آمریکا در دنیای خارجی. حتی نمونه دیگر اما دورتر نیز باز چنین تجربه‌ای را پیش رویمان می‌گذارد؛ «نیو دیل» فرانکلین روزولت در داخل و پایان دادن به سیاست انزواگرایانه آمریکا در جهان و مداخله آمریکا در جنگ جهانی دوم.

همشهری: شهر تهران و اقشار آسیب پذیر و حساس

چند سال قبل محقق جوانی در یکی از شهرهای بزرگ آمریکا خود را به ظاهر خانم بسیار سالخورده‌ای درآورد و در فضاهای عمومی به رفت‌وآمد و گشت‌وگذار مشغول شد. حاصل تحقیق او، آن بود که مردم عادی (به‌خصوص جوانان) عمدتا نه‌تنها به سالمندان کمکی نمی‌کنند، بلکه هرجا که فرصت باشد، حق آنها را ضایع و به آنها اجحاف می‌کنند. به‌طور خلاصه، زندگی برای سالمندان در شهرهای بزرگ، شلوغ و متراکم آمریکا در خارج از خانه، امن و راحت نیست.البته تحقیق فوق بیشتر در زمینه اجتماعی و فرهنگی بود، اما من می‌خواهم به این موضوع بپردازم که در شهرهای ما به‌خصوص شهر تهران که نمونه بارزی از شهرهای دیگر خواهد بود، زندگی برای اقشار آسیب‌پذیر (سالمندان، معلولان، کودکان و گروه‌هایی از زنان) امن و راحت نیست.

یکی از رایج‌ترین و پررفت‌وآمدترین فضاهای شهری پیاده‌روها هستند. اگر دقت کنید در یک مسیر پیاده، گاه بعد از پیمودن چند متر مجبور به رفتن به سواره‌رو می‌شوید؛ چون یا به وسیله دیواره‌های یک کارگاه ساختمانی یا مصالح ساختمانی یا ماشین‌آلات آن کارگاه، ادامه مسیر مسدود است و یا بساط مغازه‌های مجاور (میوه‌فروشی، سوپرمارکت‌ها، تعمیرگاه‌ها و...) پیاده‌رو را اشغال کرده و عبور راحت و بی‌خطر را غیرممکن می‌سازد. حتی اگر این موارد نباشد، رمپ‌های پارکینگ که متأسفانه برخلاف مقررات (که باید از بر زمین در داخل پیاده‌رو شروع شود) از لب سواره‌رو آغاز می‌شود و چنان اختلاف سطحی به‌وجود می‌آورد (به‌خصوص در پیاده‌روهایی که پهن‌تر بوده و دارای باغچه هستند) که عبور را خطرناک و گاه برای سالمندان و معلولان غیرممکن می‌کند.

نمونه دیگری از فضاهای عمومی شهری غیرقابل استفاده برای بخش عمده‌ای از این اقشار، متروست. حتی در ایستگاه‌هایی از مترو که پله‌برقی دارند، برای رسیدن به پله‌برقی باید از پله معمولی گذر کرد و تازه پله‌برقی هم برای ویلچر و کالسکه مناسب نیست و نیاز به آسانسور از سطح پیاده‌روی خیابان تا سطح خرید بلیت و ورود به محوطه و تا سطح سوار شدن قطار احساس می‌شود. مشکل عبور و مرور پیاده یا با ویلچر یا با کالسکه تقریبا در همه فضاهای عمومی وجود دارد؛ از پیاده‌روها گرفته تا پارک‌ها و سینماها و مراکز اوقات فراغت تا ادارات مختلف. حتی در نقاطی که کنار پله‌ها رمپ گذاشته‌اند شیب آنچنان تند است که رمپ را گاه غیرقابل استفاده می‌کند.

جوان: درست حرف بزنید تا درست عمل کنید

در روزی که دولت لایحه بودجه را که اجرایی‌ترین کار دولت است، به مجلس فرستاد، معاون اول رئیس‌جمهور در مغلطه‌ای آشکار مدعی شد که تصویب طرح راهبردی مجلس در حوزه هسته‌ای دخالت در امور اجرایی است! رئیس‌جمهور نیز این طرح را مضر به حال کشور دانست. چنین تقابلی از سوی دولت با ادعاهای کلی و غلط، در واقع همان چیزی است که مضر به حال مملکت است، هرچند می‌توان چنین تصور کرد که این مخالفت شدید دولت با طرح مجلس، به دلیل آنکه دست دولت را مقابل غرب برای احقاق حقوق هسته‌ای و رفع تحریم‌ها بازتر می‌گذارد، در نهایت به نفع کشور می‌شود و لذا این مخالفت‌ها هرچه‌قدر شدیدتر باشد، بهتر است و دولت را در موقعیت طلبکارانه‌تری مقابل غرب که در مدت سه سال خروج امریکا از برجام، کاری در خور برجام نکرد، قرار می‌دهد. اما دولت اگر مخالفتی دارد چرا این‌قدر سست و مغالطه‌آمیز؟! ببینید در عصری که یک فعال تازه‌کار فضای مجازی نیز باید برای مدعای خود، هزار برهان عقلی را ردیف کند تا مبادا در کارزار مجازی به تمسخر گرفته شود، معاون اول چه می‌گوید: «نباید مدیریت هسته‌ای را تغییر بدهیم. رئیس‌جمهور، وزیر خارجه و رئیس سازمان هسته‌ای اختیاراتی دارند. اینکه بگویند این سانتریفیوژ را اینجا نصب کن و به وزیر خارجه بگویند این‌جور راه برو، این که نشد کار اجرایی!»

... ظریف اعتراف می‌کند که «روحانی به برجام عمل کرد، اما اوباما نه و اولین بار مصوبات خلاف برجام، در دوره آقای اوباما آمد» و روحانی امید بسته که بایدن برای این چند ماه باقی مانده از دولت دوازدهم دستی از آستین بیرون بیاورد. خود همین آقای ظریف در حالی که حداقل در دو مورد فیلم و سند از او هست که برای باقی ماندن دوستانش در قدرت به طرف خارجی التماس می‌کند و هیچ‌گاه آن را تکذیب نکرد- ، چون قابل‌تکذیب نبود- بلکه آن را بخشی از پولیتیک‌های دیپلماتیک خودش عنوان کرد، در قوی و محکم‌بودن سخن به همکارانش در دولت شبیه است! با یک «بعضی دوستان» ادعایی می‌کند و دنبال جنجالی است که منتقدانش با آن همه سند علیه خود او نکردند: «بعضی دوستان می‌روند و به امریکا گرا می‌دهند که با ما بهتر می‌توانید کار کنید. گفته‌اند این‌ها در قدرت نمی‌مانند و قدرت این‌ها چند روزه است.» این سستی و ضعف در سخن به نویسندگان پرکار نشریات حامی دولت هم ساری و جاری شده است. به این جملات آقای عبدی در شماره دیروز روزنامه اعتماد توجه کنید: «انتخاب بایدن از نظر اصولگرایان تندرو، غیر منتظره بود و تقریباً همه محاسبات آنان را برای ۱۴۰۰ به هم زد، زیرا با وجود ترامپ از یک سو تحریم‌ها ادامه می‌یافت و آنان مستمسکی برای حمله به دولت می‌داشتند و از سوی دیگر چالش اصلی انتخابات بر محور برجام و بازگشت به آن شکل نمی‌گرفت... روشن است که رأی مردم به‌طور قطع در این چالش به سود منادیان برجام و ادامه دادن آن است.»حال اگر یک بخت‌برگشته‌ای در جناح مخالف همین ادعای بدون پشتوانه آقای عبدی را وارونه بنویسد، جهانی را بر سر او خراب می‌کنند! وارونه آن تقریباً چنین می‌شود: «انتخاب بایدن از نظر اصلاح‌طلبان تندرو دقیقاً چیزی بود که انتظار می‌کشیدند و همه محاسبات آنان را برای ۱۴۰۰ درست از آب درآورد، زیرا با وجود ترامپ، تحریم‌ها ادامه می‌یافت و آنان مستمسکی برای حمله به مخالفان نداشتند و از سوی دیگر چالش اصلی انتخابات بر محور برجام و شکست در این معاهده شکل می‌گرفت... روشن است که رأی مردم به طور قطع در این چالش به ضرر منادیان برجام و ادامه دادن این معاهده خسارت‌بار است...»

اگر به همین راحتی بتوان انگ به مخالفان زد، چرا وارونه مطلب آقای عبدی درست نباشد؟! به همین خاطر است که انتقاد اصلی به دولت و دولتمردان و پیشمرگان دولت، بی‌مایه سخن گفتن است. درست حرف بزنید تا بتوانید درست عمل کنید.